

مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران

علی رحمانی^۱، نازنین بشیری منش^۲

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۳۰

افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از ابزارهای مهم مدیران به منظور انتقال اطلاعات مربوط به عملکرد مالی به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر افراد ذینفع بوده و یکی از دلایل مهم تقاضا برای افشای اطلاعات، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات است. مطالعات پیرامون افشای اطلاعات در سه حوزه، اندازه‌گیری سطح و کیفیت افشای اطلاعات، محرک‌های افشای اطلاعات و پیامدهای آن برای بازار سرمایه طبقه‌بندی می‌شوند. مقاله حاضر به مرور جامع، تحقیقات حوزه افشای اطلاعات در ایران پرداخته و با بررسی موضوعات، متغیرها و عوامل مورد بررسی، چارچوب تحقیقاتی مناسب و منسجمی از تحقیقات حوزه افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها ارائه می‌دهد. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد، توجه به ابعاد مختلف افشای اختیاری و توسعه روش‌های تحقیق مانند استفاده از مدل‌های غیر خطی می‌تواند به بهبود و گسترش ادبیات افشای اطلاعات کمک بسزایی کند.

واژه‌های کلیدی: افشای اجباری، افشای اختیاری، محرک‌های افشاء و پیامدهای اقتصادی افشاء

طبقه‌بندی موضوعی: M40

۱ دانشجوی حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، (نویسنده مسئول)، (rahmani.ali@gmail.com)
۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء (س) و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، (bashiri.kosar@yahoo.com)

مقدمه

در عصر حاضر با گسترش خصوصی سازی و پیشرفت اقتصاد، بازارهای مالی از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. گسترش بازارهای مالی متوجه گسترده‌گی ابزارهای مالی و مشارکت هر چه بیشتر افراد مختلف می‌باشد. مشارکت افراد و کارایی عملیاتی موثر بازارهای مالی، وابسته به این موضوع می‌باشد که چگونه اطلاعات به طرف‌های مختلف انتقال می‌یابد (هو، ۲۰۰۱). با توجه به اینکه مدیران دارای اطلاعات بیشتر و درک بهتری در رابطه با عملکرد آتی شرکت هستند، برخی از آنها با در نظر گرفتن هزینه و منافع بالقوه افشای اطلاعات، اقدام به افشای اختیاری اطلاعات می‌کنند. در این راستا استراتژی افشای اطلاعات نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کند و می‌تواند سطح اعتماد سرمایه‌گذاران را بالا برده و منجر به بهبود نقدشوندگی سهام و کاهش هزینه سرمایه شود. (دیاموند و ورکچیا، ۱۹۹۱؛ میک و همکاران، ۱۹۹۵؛ کریستندال و بونتیس، ۲۰۰۷).

حوزه افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها از حوزه‌های مورد علاقه محققان دانشگاهی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. بررسی مطالعات این حوزه نشان می‌دهد، تحقیقات در سه بعد اصلی صورت می‌گیرد.

(۱) اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها که در تحقیقات مختلف ابعاد متنوع افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیر مالی اندازه‌گیری و کمی سازی شده است.

(۲) شناسایی عوامل و محرک‌هایی می‌باشد که بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات تاثیر می‌گذارد. در چارچوب تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان متغیرهایی نظیر حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، ویژگی‌های شرکت و قدرت ذینفعان ممکن است رویه‌های افشای اطلاعات را تحت تاثیر قرار دهد.

(۳) بحث پیامدهای افشای اطلاعات است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افشا و شفافیت بیشتر، منافع متعددی برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از جمله مهمترین آنها، هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت

مالی محسوب می‌شود که منجر به افزایش قدرت نقدشوندگی سهام شرکت و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران و برای جامعه می‌گردد.

الف. تحقیقات پیرامون سطح افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها

در ادبیات افشاء اطلاعات، ابزار اندازه‌گیری چک لیست می‌باشد. به منظور اندازه‌گیری شاخص افشای اطلاعات سه مرحله، تهیه چک لیست مناسب و تعیین اجزای اطلاعات موجود در چک لیست، تعیین نمره هریک از اقلام و محاسبه شاخص افشاء باید طی شود. در افشای اجباری، اطلاعات موجود در چک لیست بر حسب موارد ذکر شده در استانداردهای حسابداری تعیین می‌شود و در افشای اختیاری، این ابزار خودساخته از مرور رهنمودهای مجامع حرفه‌ای حسابداری و ادبیات موجود در این حوزه حاصل می‌شود.

برای تعیین نمره هر یک از اجزای اطلاعاتی چک لیست دو رویکرد اصلی توسط کوک (۱۹۸۹) معرفی گردیده است. رویکرد اول که مورد توجه کوپلند و فردریک (۱۹۶۸) می‌باشد، وابسته به ارائه اطلاعات است. در این رویکرد محقق تعداد لغات بکاررفته برای هریک از اقلام افشا را مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه نمره بین صفر و یک متغیر خواهد بود. کوک (۱۹۸۹) این معیار را بخاطر عینیت در تعیین نمره افشا مورد انتقاد قرار داد و رویکرد دو بخشی را معرفی نمود. طبق این رویکرد، به اقلام افشا شده عدد یک و به اقلام افشا نشده عدد صفر تعلق می‌گیرد. با این وجود، برای اجتناب از هرگونه اثر منفی بر روایی و پایایی نمرات افشاء دو مساله وزن‌دهی و دیگری اقلام غیرقابل کاربرد برای برخی شرکت‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در بحث وزن‌دهی دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول عدم وزن‌دهی است که در نظر می‌گیرد اهمیت افشای تمامی اقلام با یکدیگر برابر است. رویکرد دوم وزن‌دهی است که فرض می‌کند اهمیت اقلام افشا برای گروه‌های استفاده‌کننده متفاوت است و وزن متفاوتی به اقلام می‌دهد. محققان زیادی رویکرد عدم وزن‌دهی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ زیرا اهمیت اقلام در طی زمان و در بخش‌های مختلف در حال تغییر است (حسن و همکاران، ۲۰۰۶). در رویکرد وزن‌دهی غالباً به اهمیت اطلاعات از منظر تحلیل‌گران توجه می‌شود و ضرورتاً بیانگر اهمیت اقلام از منظر دیگر ذینفعان نمی‌باشد. لذا شاخص بدست آمده برحسب عدم وزن‌دهی زمانی که

محقق بر ذینفعان تاکید می‌کند، مناسب‌تر است (کوک، ۱۹۸۹، حسن و همکاران، ۲۰۰۶ و وانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

شاخص افشا از تقسیم امتیاز افشای اختیاری شرکت بر حداکثر نمره افشای اختیاری قابل کسب حاصل می‌گردد. مطالعاتی که به بررسی میزان و سطح افشاء اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند، به شرح زیر ارائه شده‌اند.

نوری فرد (۱۳۷۷) پژوهشی را تحت عنوان "افشای اطلاعات در گزارش‌های مالی شرکت‌ها" انجام داده است. در این پژوهش کوشش شده تا جنبه‌های کمی و کیفی افشای اطلاعات را در ایران ضمن بررسی گزارش‌های سالیانه مورد ارزیابی قرار دهد. وی برای اندازه‌گیری افشاء از چک لیست افشاء تحقیقات پژوهشگرانی مانند سرف (۱۹۶۲)، بازبی (۱۹۷۴) و... استفاده کرد که شامل ۵۵ مورد افشاء بود. روند افشا اطلاعات در قالب سه ویژگی از ویژگی‌های شرکت (میزان دارائی، حاشیه سود، ماهیت صنعت)، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله از این پژوهش نشان داد، میان اندازه شرکت از لحاظ جمع دارایی‌ها و حاشیه سود و میزان افشاء در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی رابطه‌ای مثبت وجود دارد، اما میان نوع صنعت و افشاء رابطه‌ای وجود ندارد.

فروغی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی نگرش مدیران شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در خصوص افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی، بر مبنای تئوری‌های اقتصاد سیاسی، تئوری مشروعیت و تئوری گروه‌های ذینفع را مورد بررسی دادند. بر اساس تئوری‌های مذکور، در صورت اختیاری بودن افشای چنین اطلاعاتی، مدیران تنها مایل به ارائه‌ی اطلاعاتی هستند که تصویری مطلوب از شرکت ارائه می‌دهند. نتایج حاصل از تحقیق دقیقاً در راستای تئوری‌های فوق است و نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های ایرانی مایل به افشای اطلاعات مربوط به منافع اجتماعی و مسایل رفاهی کارکنان خود هستند، ولی برای افشای اطلاعات مربوط به هزینه‌های اجتماعی سازمان خود تمایل ندارند.

مهدوی پور و همکاران (۱۳۸۹) در این تحقیق، به بررسی میزان اطلاعات افشا شده از طریق اینترنت در وب سایت ۱۰۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های شرکت شامل اندازه، اهرم شرکت، سودآوری و نوع صنعت، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، بین افشای اطلاعات مالی از طریق اینترنت (متغیر وابسته) و اندازه

شرکت، اهرم شرکت و نوع صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند (متغیرهای مستقل)، رابطه معناداری وجود دارد، اما ارتباط معناداری بین متغیر وابسته و متغیر مستقل سودآوری شرکت مشاهده نگردید.

شیری و کریمی ربایی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی میزان اطلاعات افشا شده از طریق اینترنت در وب سایت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های غیرمالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در شرکت‌های بورسی ایران، بین ویژگی‌های غیرمالی و افشای اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد میزان اهمیت به "کیفیت محصولات و فرایندها" و "ارتباط اینترنتی با ذینفعان" مستقیم و در مورد "فشار محیطی" و "نوع صنعت" معکوس بوده است.

طالب نیا و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود در رابطه با ارزیابی کمیت و ماهیت افشای اطلاعات حسابداری زیست محیطی و اجتماعی در بورس اوراق بهادار تهران انجام داده‌اند. برای اندازه‌گیری و مقایسه کمیت و ماهیت افشای زیست محیطی و اجتماعی شرکت‌ها از تحلیل محتوی استفاده شده است. این پژوهش سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی را با تعداد جمله اندازه‌گیری می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شرکت‌های ایرانی ترجیح می‌دهند اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی را در گزارش هیئت مدیره به شکل اطلاعات اختیاری افشاکنند. بیشترین افشا در بخش منابع انسانی و سپس در بخش محصولات و خدمات بوده است. آنها بیان کرده‌اند که شرکت‌ها تمایل دارند اخبار بیطرفانه، سپس اخبار خوب را بیشتر از اخبار بد افشاکنند.

اعتمادی و خلیل پور (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفیت افشاء اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با استفاده از رویکرد ترکیبی آنتروپی-فازی ارزیابی نمودند. با استفاده از تکنیک آنتروپی درجه اهمیت هر یک از ابعاد کیفیت افشاء اطلاعاتی مشخص شد. سپس این وزن‌ها به همراه داده‌های استخراج شده از پرسشنامه ارزیابی کیفیت افشاء اطلاعاتی شرکت‌ها که بر اساس رویکرد فازی تنظیم شده است، ترکیب شده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. جامعه آماری، سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار و روش گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد که بر اساس دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی تنظیم شده است. نتایج حاصل از ماتریس‌های آنتروپی نشان می‌دهد که از دید سرمایه‌گذاران

ویژگی بی‌طرفانه بودن از لحاظ اهمیت داشتن در اولویت اول، افشای کافی در اولویت دوم، و قابلیت تایید بودن در اولویت آخر است. آزمون فرضیات نشان می‌دهد که اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌ها دارای ویژگی‌های صحیح بودن، رجحان محتوا بر شکل، بی‌طرفانه بودن، سودمندی در ارزیابی، دارای ثبات رویه و قابلیت مقایسه است، اما از نظر سرمایه‌گذاران، اطلاعات ارائه شده، ویژگی‌های کامل بودن، به موقع بودن، سودمندی در پیش بینی و افشاء کافی را ندارند.

شعری و حمیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی کفایت افشای معاملات با اشخاص وابسته را با استفاده از چک لیست افشای تهیه شده طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران، بررسی نمودند. در این پژوهش ۱۴ مورد افشا به دو دسته افشای عمومی (۵ مورد) و سایر موارد افشا (۹ مورد) تقسیم و میانگین افشا محاسبه گردید. با در نظر گرفتن سطح افشای ۵۰ درصد، نتیجه بررسی نشان می‌دهد که شرکت‌ها بطور میانگین ۴۶ درصد از موارد افشای عمومی و ۵۸ درصد تا ۶۲ درصد از سایر موارد افشا را گزارش می‌کنند. در واقع الزامات مندرج در استاندارد حسابداری ۱۲ ایران، بطور کامل توسط شرکت‌ها گزارش نمی‌شود.

مرور ادبیات فوق نشان می‌دهد، در ایران سطح افشاء اطلاعات عمدتاً متوجه افشای اجباری در استانداردهای حسابداری ایران می‌باشد و تحقیق درباره سطح افشای اختیاری هنوز در ابتدای کار قرار دارد. افشاء اختیاری در بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های معتبر جهانی مورد تشویق قرار می‌گیرد و از ابعاد مختلفی نظیر اطلاعات مالی، اطلاعات غیر مالی، اطلاعات چشم انداز آتی و غیره برخوردار است. پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، چارچوب گزارشگری مالی سنتی توانایی ارائه صورت کاملی از فعالیت‌های شرکت را نداشته و قادر به ایفای وظیفه پاسخگویی بطور کامل و صحیح نیست (گوتتری و همکاران، ۲۰۰۴). شواهد تجربی نشان می‌دهد، اطلاعات مهمی نظیر اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود، مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت، مکانیزهای حاکمیت شرکتی و چشم انداز آتی فعالیت‌های شرکت جایگاهی در گزارشگری سنتی ندارد. لذا در راستای رفع نواقص گزارشگری سنتی لازم است الگوها و چارچوب‌هایی برای افشای اختیاری تدوین و ارائه گردد که بتواند تا حد امکان نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را مرتفع سازد.

ب. تحقیقات پیرامون محرک‌های افشاء اطلاعات

از منظر تئوری ذینفعان، افشای اطلاعات تحت تاثیر قدرت ذینفعان داخلی و خارجی شرکت می‌باشد. ذینفعان مختلف، اهداف و عملیات شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و شرکت در راستای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان اقدام به افشای اطلاعات در ابعاد و سطوح مختلف می‌کند.

از منظر تئوری مشروعیت دو دسته از عوامل بر سطح افشای اطلاعات تاثیر می‌گذارند؛ ویژگی‌های شرکت و راهبری شرکتی. دسته اول بیانگر عواملی هستند که میزان فشار اجتماعی برای ارائه اطلاعات را نشان می‌دهد. بر مبنای تئوری مشروعیت، شرکت‌های صنعتی بزرگ با ویژگی‌هایی مطلوب از نظر قابلیت سودآوری، نقدینگی و اهرم مالی، بیشتر مورد توجه عموم قرار گرفته و در نتیجه تقاضا برای ارائه اطلاعات و بهبود شفافیت افزایش می‌یابد. دسته دوم بیانگر عواملی است که میزان پاسخ شرکت به تقاضای ذینفعان را نشان می‌دهد. این عوامل شامل راهبری شرکتی و ساختار مالکیت شرکت است. انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که مکانیزم‌های راهبری شرکتی مناسبی وجود داشته و پراکندگی مالکیت بیشتر است در برابر تقاضای ذینفعان، افشای بیشتر اطلاعات مورد توجه قرار می‌گیرد. (نصر، ۲۰۱۰)

ملکیان و سیدآبادی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر اندازه و نسبت‌های مالی بر افشای کامل صورت‌های مالی" اقدام به ایجاد یک چک لیست از اقسام افشای الزامی نمودند که شامل ۱۶۸ قلم بود و از متن استانداردهای حسابداری استخراج گردید. آنها مدل خود را بر روی ۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس آزمون نمودند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین اندازه شرکت، نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام و نسبت سود قبل از مالیات به فروش خالص با افشای کامل صورت‌های مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

هشی (۱۳۸۵) در پژوهشی، به مطالعه عوامل مؤثر بر مطلوبیت (منصفانه بودن) گزارشگری مالی در چهارچوب اعتباردهی به آن‌ها از طریق ارائه گزارش حسابرسی حاوی اظهارنظر مطلوب (منصفانه) پرداخته است. در این پژوهش متغیرهای نوع مالیکت، حجم معاملات، اندازه شرکت، تغییرات اعضای هیات مدیره، سودآوری، قیمت سهام، عمر شرکت، مکان جغرافیایی شرکت، داشتن حسابرسی داخلی، نوع صنعت و نوع موسسه حسابرسی به عنوان متغیرهای مؤثر بر گزارشگری مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه بررسی گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که

وجود سهامدار خارجی در ساختار مالکیت و سودآوری با مطلوبیت گزارشگری مالی همبستگی مثبت داشته، مکان جغرافیایی و وجود حسابرس داخلی فاقد همبستگی و سایر عوامل همبستگی منفی داشتند.

خدمای پور و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر افزایش دارایی‌ها و مالیات بر درآمد شرکت‌ها پرداختند. در انجام این تحقیق از دو روش توصیفی از نوع همبستگی و پیمایشی استفاده شده است. علاوه بر استفاده از پرسش‌نامه، داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی شرکت‌های زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ استخراج گردیده است. افشای اطلاعات بر اساس موارد هفت‌گانه افشا در استانداردهای حسابداری ایران توصیف شده و پرسشنامه طراحی شده بین دو گروه، مجموعه مدیران شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده و حسابرسان مستقل توزیع گردید. یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که در مجموع ارتباط قوی و مؤثری بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و افشای دارایی‌ها وجود دارد.

مهدوی و قاسمی (۱۳۸۸) تأثیر سازه‌های اجتماعی قانون‌گرایی، اطمینان‌طلبی، سطح تحصیلات، فردگرایی، جنسیت، رشته تحصیلی و سابقه‌های کاری بر افشاگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. نتایج حاصل از آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازه‌های اجتماعی قانون‌گرایی، اطمینان‌طلبی و فردگرایی بر افشاگری مالی شرکت‌های مورد بررسی تأثیر معنادار و مستقیمی دارد و تأثیر سازه‌های اجتماعی بررسی شده دیگر به لحاظ آماری معنا دار نیست. همچنین، طبق نتایج به دست آمده، فردگرایی بیشترین تأثیر را بر افشاگری مالی دارد.

سجادی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی ارتباط ویژگی غیر مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با کیفیت گزارشگری مالی را بررسی نمودند. برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از شاخصی متشکل از ۱۵۵ قلم بر اساس استانداردهای حسابداری ایران و سایر قوانین مربوط در مورد افشاء استفاده شد و ارتباط احتمالی آن با اندازه شرکت، نوع موسسه حسابرسی، نوع صنعت، ساختار مالکیت و عمر شرکت با استفاده از مدل‌های رگرسیون چندگانه بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد اندازه شرکت، عمر شرکت و نوع صنعت رابطه مثبت

معنادار و ساختار مالکیت رابطه منفی با کیفیت گزارشگری مالی دارد، اما رابطه نوع موسسه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری معنادار نبود.

کاشانی و همکاران (۱۳۸۸) رابطه بین دو مکانیزم کنترلی، یعنی افشای اختیاری (کنترل خارجی) و مدیران غیرموظف (کنترل داخلی)، که تقلیل دهنده مشکلات نمایندگی می‌باشند را مورد مطالعه قرار داده‌اند. افشای اختیاری توسط ۷۱ شاخص که در مطالعات قبلی نیز بکار رفته است با اعمال تعدیلاتی تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان داد که مدل بکار رفته ۲۰ درصد از تغییرات افشای اختیاری که در حدود یافته‌های قبلی نیز می‌باشد را تخمین می‌زند. این در حالی است که رابطه معناداری بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف یافت نشد.

نیکومرام و بادآورنهدی (۱۳۸۸) عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران را شناسایی و ارزیابی کردند. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد. با این حال، بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصت‌های رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیات مدیره، مالکیت اعضای هیات مدیره، صداقت مدیریت، و اهرم مالی شرکت رابطه‌ای مشاهده نگردید. همچنین، بر مبنای آزمون‌های چند متغیره الگوهای ارایه گردید که امکان پیش بینی کیفیت گزارشگری مالی برای دوره مالی آینده را فراهم می‌کند. این الگوها مبتنی بر توزیع احتمال نرمال استاندارد (CDF) است و احتمال گزارشگری مالی با کیفیت برای دوره مالی آینده را برآورد می‌کند.

نوروش و حسینی (۱۳۸۸) در تحقیقی رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود را بررسی نمودند. از آنجائی که بهبود کیفیت افشای شرکتی باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود کمتر را به همراه دارد، فرضیه اصلی این تحقیق آن است که بهبود کیفیت افشای شرکتی با مدیریت سود رابطه منفی دارد. در این تحقیق برای اندازه‌گیری کیفیت افشا از دو معیار به‌موقع بودن و قابلیت اتکا استفاده گردیده و مدیریت سود شرکت‌ها با استفاده از مدل تعدیل شده جونز برآورد گردیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود

رابطه منفی معنی دار وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی معنی دار بین به موقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود می‌باشد.

بنی مهد و محسنی شریف (۱۳۸۹) مفهوم کیفیت افشای اطلاعات و برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن را، مورد مطالعه قرار دادند. به همین منظور شرکت‌های رتبه بندی شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۸۶ که شامل ۳۱۱ شرکت بود، به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شد. سپس با استفاده از اطلاعات مندرج در متن صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه به بررسی رابطه بین برخی از عوامل تأثیرگذار بر رتبه بندی شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار نظیر اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، نوع حسابرس، نوع گزارش حسابرس، درصد مالکیت سهامدار عمده، نوع واحد تجاری و نوع صنعت پرداخته شد. در این پژوهش با توجه به اینکه ارائه به موقع اطلاعات به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان عامل اصلی رتبه بندی شرکت‌ها از سوی این سازمان مدنظر قرار گرفته بود، متغیر وابسته، فاصله زمانی بین تاریخ تهیه صورت‌های مالی و تاریخ انجام حسابرسی در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که رتبه افشاء با اندازه شرکت و نوع صنعت ارتباط معنادار مثبت دارد، اما با نوع گزارش حسابرس و درصد مالکیت سهام رابطه معنادار منفی دارد. همچنین رابطه‌ای میان بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، نوع حسابرس و نوع واحد تجاری با رتبه افشاء مشاهده نشد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه‌ی بین مدیریت سود و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای اندازه گیری مدیریت سود، از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود، رابطه منفی وجود دارد و حدود ۱۶٪ از تغییرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به طور معکوس تحت تأثیر متغیرهای اندازه شرکت، منابع مالی و مدیریت سود می‌باشد. هم چنین عملکرد مالی شرکت با مدیریت سود رابطه‌ی مثبت و با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، رابطه‌ی منفی معکوس داشته، ولی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در کنار مدیریت سود، باعث کاهش اثر معکوس مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی دارد. به عبارتی منجر به بهبود عملکرد مالی

شرکت شده است. در نهایت، تعهدات سازمانی با مدیریت سود و عملکرد مالی شرکت رابطه‌ی منفی دارد.

کمالیان و همکاران (۱۳۹۰) درصدد شناسایی عوامل تأثیر گذار بر رتبه افشای اطلاعات برآمدند، با توجه مطالعات انجام شده در سایر کشورها و شرایط حاکم بر بازار سرمایه ایران، ۱۹ عامل انتخاب گردید. با استفاده از رویکرد داده کاوی و به طور اخص الگوریتم C₀/5، عواملی که بیشترین تکرار را در مجموعه قوانین تولیدشده به خود اختصاص دادند (بیشترین تأثیر را بر رتبه افشای اطلاعات داشته اند) استخراج گردید. این عوامل " کیفیت موسسه حسابرسی کننده شرکت"، "بازده دارایی"، "نسبت بدهی" و "موظف یا غیرموظف بودن رئیس هیئت مدیره" می‌باشند. مرتب سازی این قوانین و بررسی عوامل چهارگانه فوق در قوانین مرتب شده می‌تواند به عنوان یک ACS بر اساس رویکرد سیستم خبره تصمیم گیری به سرمایه گذاران در تشخیص میزان شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها کمک کند.

دیدار و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثر ویژگی‌های شرکت بر سطح افشای شرکت پرداختند. در این پژوهش، اثر خصیصه‌هایی نظیر؛ اندازه شرکت، درجه مشهود بودن دارایی‌ها، اهرم مالی، نقدینگی، سودآوری و رشد سودآوری بر سطح افشاء ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۲ بررسی گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ویژگی‌هایی نظیر درجه مشهود بودن دارایی‌ها، اهرم مالی و سودآوری بر سطح افشاء اثر گذار بوده، ولی اندازه و رشد در سودآوری بر سطح افشاء کل اثر معنی داری ندارند. به دلیل ماهیت کاملاً متفاوت افشاء اختیاری و غیر اختیاری، تحلیل‌های انجام گرفته در دو سطح افشاء اختیاری و غیر اختیاری انجام و مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق برای طراحی شاخص افشاء از شاخص افشاء چیونگ و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده و چک لیست موارد افشا برای اصول حاکمیت شرکتی که شامل ۶۰ معیار می‌باشد، بکار رفته است. نتایج نشان می‌دهد، اغلب خصیصه‌های شرکت صرفاً بر افشای اختیاری اثر گذاشته ولی بر افشای غیر اختیاری اثر نمی‌گذارد.

محمدآبادی و همکاران (۱۳۹۱) شواهد تجربی پیرامون تأثیر گذاری محافظه کاری حسابداری بر کیفیت افشا ارائه نمودند. در این پژوهش برای اندازه گیری محافظه کاری از نسبت ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به ارزش بازار استفاده و کیفیت افشای اطلاعات با توجه به مقادیر اعلام

شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران تعیین شد. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، همزمان با اعمال درجات بالاتری از محافظه کاری سطح کیفی افشای انجام شده توسط شرکت نیز افزایش یافته است. این نتایج در شرایطی به دست آمده که تاثیرات متغیرهای مرتبط با ساختار و متغیرهای مرتبط با عملکرد، شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری و نقدینگی بر کیفیت افشا تحت کنترل و مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین می توان گفت شواهد تجربی متقاعدکننده موجود، همراستا با مبانی نظری حسابداری، بیانگر تاثیر مستقیم محافظه کاری بر کیفیت افشا و گزارش اطلاعات مالی هستند.

حجایی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین افشای مسئولیت پذیری اجتماعی و مالکیت نهادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر این است که بین افشای مسئولیت پذیری اجتماعی در تمام ابعاد آن (مشارکت اجتماعی، محیط زیست، روابط کارکنان، ویژگی محصولات) با مالکیت نهادی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه منفی وجود دارد. بنابراین لازم است آن دسته از سرمایه گذاران نهادی که توجه به سودهای جاری و کوتاه مدت دارند، به منظور به حداکثر رساندن سودآوری خود، اولویت را به سرمایه گذاری در شرکت هایی دهند که کمترین افشای مسئولیت اجتماعی را داشته باشند.

همتی و جلیلی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه افشای سرمایه فکری با نوع مالکیت و اندازه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به منظور تعیین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری از روش تحلیل محتوا و همچنین برای بررسی رابطه بین میزان افشای اطلاعات و نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که در سال ۸۷، سرمایه خارجی و در سال ۸۸، سرمایه انسانی بیشترین میزان افشا را داشته اند و رابطه معناداری بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت وجود دارد.

طالب نیا و رستمی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین ضرایب مالیاتی و میزان افشاء گزارشات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در مرحله اول، به منظور تعیین میزان افشاء صورت های مالی که در این تحقیق در راستای تعیین مقدار متغیر وابسته، چک لیست میزان افشاء تنظیم و برای هر شرکت یک نمره یا شاخص افشاء تعریف شد. در

مرحله دوم، اطلاعات مربوط به متغیرهای کنترل نظیر نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها و لگاریتم کل دارایی‌ها محاسبه و استخراج گردید. در مرحله سوم، ضرایب مالیاتی هر شرکت با توجه به نوع محصولات یا خدمات آنها محاسبه و تعیین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد بین ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری گزارشات مالی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد، یعنی هرچه ضرایب مالیاتی بیشتر باشد میزان افشاء اجباری کمتر می‌شود.

علوی طبری و تفرشی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری پرداختند. در این راستا تاثیر برخی شاخص‌های نظام راهبری شرکتی (اندازه هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و وجود بخش حسابرسی داخلی) بر میزان افشای سرمایه فکری (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای)، برای ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش رگرسیون پانل دیتای پواسن بررسی شد. نتایج نشان داد بین تعداد مدیران و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد؛ بین درصد اعضای غیر موظف و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد؛ بین یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود دارد و بین وجود بخش حسابرسی داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به ادبیات بیان شده در بحث محرک‌های افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها، ماتریس نظریه به شرح نگاره ۱ برای شناسایی محرک‌های افشای اطلاعات استخراج شده است.

ج. تحقیقات پیرامون پیامدهای افشاء اطلاعات

افشای اجباری و اختیاری اطلاعات می‌تواند دارای پیامدهای اقتصادی متعددی باشد که از جمله این پیامدها می‌توان به بهبود نقدشوندگی سهام در بازار سرمایه، کاهش هزینه سرمایه شرکت‌ها و افزایش کاربران و افزایش توان پیش‌بینی استفاده‌کننده از اطلاعات اشاره نمود که این موارد نیز نهایتاً منجر به افزایش ارزش شرکت می‌گردد.

عباسی (۱۳۸۲) با استفاده از مدل‌های گوردون و EBO به بررسی رابطه بین سطح افشاء و هزینه سرمایه در سال ۱۳۸۰ پرداخت. موارد افشا با بررسی استانداردهای بین‌المللی حسابداری، چک لیست افشای ضروری سازمان حسابرسی و صورت‌های مالی نمونه سازمان بورس تعیین گردید. این چک لیست با گزارش‌های مالی شرکت‌های نمونه مطابقت داده شد و نمره‌گذاری و سطح افشای هر شرکت مشخص گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بین سطح افشای اطلاعات و هزینه حقوق صاحبان سهام، هزینه بدهی و در مجموع هزینه سرمایه هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

در تحقیقی که توسط خوش‌طینت و راعی (۱۳۸۳) تحت عنوان تاثیر ارائه اطلاعات حسابداری اجتماعی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران صورت گرفت، با این فرض که گزارش‌گری اطلاعات حسابداری اجتماعی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تاثیر بسزایی دارد؛ نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن بود که گزارش‌گری اجتماعی تاثیری ما بین ۲۶ تا ۳۸ درصد، در تصمیمات سرمایه‌گذاران خواهد گذاشت. بدین ترتیب، می‌توان گفت که اطلاعات حسابداری اجتماعی در تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد موثر است. لکن میزان این تاثیر چندان قابل توجه نیست. علاوه بر این با توجه به این که در عمل، پارامترهای متعددی از جمله شرایط سیاسی، اقتصادی، نوع صنعت، نسبت‌ها و شاخص‌های گوناگون، تجربیات، ذهنیات و قضاوت‌های شخصی، شایعات و غیره نیز، تصمیمات نهایی سرمایه‌گذاران را تحت تاثیر قرار می‌دهند، در نتیجه نقش اطلاعات اجتماعی کم‌رنگ‌تر نیز می‌شود.

دستگیر و بزاززاده (۱۳۸۵) تأثیر میزان افشای اطلاعات حسابداری را بر ریسک سیستماتیک شرکت‌های مورد مطالعه بررسی نمودند. میزان افشا با مقایسه صورت‌های مالی سالانه منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۷۹ با موارد تعیین شده افشا در رهنمودهای حسابداری لازم‌الاجرا از اول فروردین ۸۷، قانون تجارت، قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار و قانون مالیات‌های مستقیم مورد

سنجش قرار گرفته است. ریسک سیستماتیک نیز با استفاده از عامل بتا اندازه گیری شده است. تحقیق حاضر بر روی نمونه‌ای از شرکت‌های تولیدی عضو بورس اوراق بهادار تهران - که فعالیتی غیر از زراعت و استخراج معادن و نفت دارند - انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان افشای اطلاعات در صورت‌های مالی سالانه از سوی شرکت‌ها، تأثیری بر ریسک سیستماتیک آنها ندارد.

احمدپور و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی کیفیت افشاء و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. در این تحقیق، از امتیازهای سالیانه کیفیت افشا که توسط بورس اوراق بهادار تهران محاسبه می‌شود، استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی معناداری وجود دارد. در واقع با افزایش کیفیت افشاء، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد.

فخاری و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تاثیر افشای اطلاعات بر نقدشوندگی سهام پرداختند. در این تحقیق، برای تعیین درجه افشا اطلاعات شرکت‌ها، چک لیستی براساس استانداردهای حسابداری تهیه شد و ارتباط آن با نقدشوندگی ۱۱۲ شرکت در سال ۱۳۸۶ بررسی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد، ارتباط معنی دار و معکوسی بین افشا و شاخص نقدشوندگی سهام وجود دارد. همچنین مشخص شد، رتبه افشا با عدم تقارن اطلاعات رابطه منفی دارد.

لشگری و شیرزاد (۱۳۸۸) در پژوهشی رابطه بین سطح افشا و بازده سهام را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه، از شاخص جنسن برای اندازه گیری سطح افشا استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، بین سطح افشاء و بازده سهام رابطه معنی داری وجود ندارد.

حجازی و همکاران (۱۳۸۹) آثار تصویب مقررات افشا بر روی کیفیت اطلاعات سود منتشر شده را ارزیابی نمودند. بدین منظور تحقیق حاضر به بررسی آثار تصویب مقررات در سه مقطع زمانی سال‌های ۱۳۷۸ لغایت ۱۳۸۰ دوره پیش از مقررات بورس و سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۸۴ دوره بعد از تصویب مقررات و پیش از تصویب قانون بازار اوراق بهادار و سال‌های ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۸۷ دوره بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار می‌پردازد. کیفیت اطلاعات بر مبنای سرعت ارایه اطلاعات (به موقع بودن) و خطای پیش‌بینی (اتکاپذیری) اندازه گیری شد. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۱۱۹ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است. نتایج حاکی از آن است که کاهشی در درصد خطای پیش بینی سود مشاهده نگردید، که به نظر می‌رسد به عدم اطمینان محیط کسب و کار مربوط باشد. اعلام سود رسمی به موقع

شرکت‌ها نیز بعد از مقررات صورت گرفته است. در نتیجه بعد از تصویب مقررات، کیفیت افشا از لحاظ به موقع بودن بهبود داشته است.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی محتوای ارزشی افشای اجباری پرداختند. محققان به دنبال این مساله بودند که آیا این افشای اجباری، رابطه بین بازده سهام جاری و سودهای آتی را بهبود می‌بخشد و اطلاع‌دهندگی بیشتری برای سهامداران فراهم می‌کند. با استفاده از شاخص افشای محاسبه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار این موضوع مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که افشاهای صورت گرفته در گزارش‌های شرکت‌ها حاوی محتوای اطلاعاتی درباره سودهای آتی بوده و سرمایه‌گذاران از این اطلاعات افشاشده در تصمیم‌گیری‌هایشان استفاده می‌کنند.

حسینی و حسینی (۱۳۸۹) در پژوهشی رابطه بین سطح افشا اطلاعات و نوسانات قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه آماری شامل ۷۲ شرکت به روش نمونه‌گیری تصادفی بود. در این تحقیق از شاخص جنسن برای اندازه‌گیری سطح افشا استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، بین سطح افشا اطلاعات حسابداری و نوسانات قیمت سهام رابطه معنی داری وجود دارد.

یحیی زاده و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی ارتباط بین افشاء اطلاعات و شکاف قیمتی در بازار سرمایه ایران را با استفاده از سیستم معادلات همزمانی مورد بررسی قرار دادند. برای تعیین درجه افشای اطلاعات، چک لیستی بر اساس استانداردهای حسابداری تهیه شده و در نهایت، ارتباط آنها با شکاف قیمتی در مورد ۱۱۲ شرکت برای سال ۱۳۸۶ مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌دار و معکوس بین افشای اطلاعات و شکاف قیمتی پیشنهادی خرید و فروش سهام وجود دارد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۰) تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. در این راستا، تأثیر اندازه شرکت نیز کنترل شده است. برای سنجش متغیر کیفیت افشا، از امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه "کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب" منتشر می‌شود، استفاده شد. یافته‌ها بیانگر آن است که بین اندازه شرکت و نقدشوندگی جاری و آتی آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما رابطه معناداری

بین کیفیت افشا و نقدشوندگی جاری و آتی شرکت وجود ندارد. افزون بر این، رابطه منفی و معناداری بین کیفیت افشا و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی شرکت وجود دارد. با این وصف، شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین اندازه شرکت و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی آن مشاهده نشد.

وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی درباره اثر افزایش افشای اطلاعات ناشی از اجرای استانداردهای حسابرسی تجدیدنظر شده بر عدم تقارن اطلاعاتی انجام دادند. عدم تقارن اطلاعاتی با معیار اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام مورد سنجش قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیه تحقیق، از تکنیک آماری رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی بهره گرفته شد. نتایج تحقیق بیانگر عدم تأثیر استانداردهای حسابرسی تجدیدنظر شده بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد.

یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰) رابطه بین کیفیت افشای شرکت و نقدشوندگی سهام را بررسی نمودند. شواهد تجربی در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که بهبود کیفیت افشای شرکت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد و با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نقدشوندگی سهام شرکت افزایش پیدا می‌کند. فرضیه اصلی این تحقیق آن است که بهبود کیفیت افشای شرکت با نقدشوندگی سهام رابطه مثبت دارد. برای آزمون ارتباط بین کیفیت افشا و نقدشوندگی سهام از رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های تلفیقی استفاده گردیده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین کیفیت افشا و نقدشوندگی سهام، رابطه معناداری وجود ندارد.

ایزدی نیا و مقصودی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر کیفیت افشاء بر رابطه‌ی بین محافظه‌کاری و هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) و برای کیفیت افشای اطلاعات از مقادیر اعلام شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد بین محافظه‌کاری و کیفیت افشاء اطلاعات با هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. همچنین در شرکت‌هایی که از کیفیت پایین افشاء اطلاعات برخوردارند محافظه‌کاری، اهرمی مناسب برای کاهش هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی است.

ستایش و همکاران (۱۳۹۱) تأثیر کیفیت افشا بر عملکرد جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. در این راستا، تأثیر اندازه و اهرم مالی شرکت‌ها نیز کنترل شده است. برای سنجش متغیر کیفیت افشا، از امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه «کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب» می‌شود، استفاده شد. عملکرد نیز با استفاده از معیارهای حسابداری (بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام) و معیارهای بازار (نسبت بازار به ارزش دفتری و نسبت Q توبین) سنجیده شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که رابطه مستقیم و معناداری بین کیفیت افشا با عملکرد جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. افزون بر این، در تمام فرضیه‌ها، رابطه متغیرهای کنترلی اندازه و اهرم مالی با معیارهای عملکرد معنادار بود.

جمالیان پور و ثقفی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر پارازیت اطلاعات افشاء شده (اعلام تعدیلات سنواتی) بر روی دو عامل اصلی سرمایه‌گذاری (ریسک و بازدهی) پرداختند. نتایج بیانگر آن است که استفاده از تعدیلات سنواتی برای اصلاح سود یا زیان‌های انباشته به امری رایج و معمولی تبدیل شده است. به‌علاوه در اکثر موارد مدیران از این امکان برای تعدیل بیش‌نمایی عملکرد خود در گذشته بهره گرفته‌اند. افزون بر این نتایج آزمون‌های آماری بیانگر وجود ارتباط میان تعدیلات سنواتی با ریسک و بازده شرکت‌ها است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اطلاعات ناشی از میزان تعدیلات سنواتی مندرج در گزارش‌های مالی سالانه به مرور زمان بر ریسک و بازدهی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

خدای پور و محرومی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات بر مربوط بودن سود هر سهم پرداختند. بر اساس این فرض که تمرکز بیشتر بر نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، منجر به افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود، پیش‌بینی شد که افزایش سطح افشای داوطلبانه، باعث افزایش مربوط بودن سود هر سهم به عنوان یکی از مهمترین اطلاعات حسابداری می‌شود. در اندازه‌گیری سطح افشای اطلاعات از معیار جنسن استفاده شد. نتایج بیانگر این بود که افشای داوطلبانه اثر معناداری بر مربوط بودن سود هر سهم ندارد. یک دلیل مهم برای این نتیجه‌گیری، می‌تواند ناتوانی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی در استفاده از اطلاعات حسابداری افشا شده باشد.

پورحیدری و حسین پور (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر افشای اجباری و اختیاری بر ارزش بازار سهام شرکت‌ها پرداختند. در این تحقیق برای محاسبه افشای اجباری از شاخص کیفیت افشا بورس اوراق بهادار تهران استفاده شد و به منظور محاسبه شاخص افشای اختیاری از چک لیستی شامل ۶۰ مورد استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بین افشای اجباری و ارزش بازار سهام شرکت‌ها، رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش شاخص کیفیت افشا، ارزش بازار سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد و بین افشای اختیاری و ارزش بازار رابطه معناداری وجود ندارد.

فدائی نژاد و خرم نیا (۱۳۹۱) رابطه بین افشای اطلاعات سود، نقدشوندگی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بوده که برحسب نمونه‌گیری کوکران ۴۱ شرکت انتخاب شده است. از بین ۱۳۸ توقف معاملاتی مربوط به افشای اطلاعات سود شرکت‌ها که ۸۷ مورد خبر بد و ۵۱ مورد خبر خوب بود، برحسب نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد که طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد، در مورد اخبار بد، با ارزش بودن اطلاعات، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقدشوندگی تایید می‌گردد و در مورد اخبار خوب، فقط افزایش نقدشوندگی بازار تایید می‌شود.

فروغی و آدینه جونقانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین میزان افشای اطلاعات و ارزش شرکت پرداختند. برای تعیین میزان افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها، چک لیستی بر اساس قوانین و مقررات سازمان بورس اوراق بهادار تهران و استانداردهای حسابداری ایران تهیه شده، که این چک لیست شامل افشای کل، اجباری و اختیاری اطلاعات می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنی داری بین افشای کل، اجباری و اختیاری اطلاعات با ارزش شرکت وجود دارد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) چگونگی تأثیر افشا بر ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش برای کمی نمودن متغیر افشا از رتبه‌هایی که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به شرکت‌ها اختصاص یافته، استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که بین افشا و ارزش شرکت رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. این نتایج با پیش بینی‌های تئوری مالی مبنی بر اینکه

افشای بهتر، از طریق کاهش هزینه سرمایه شرکت یا افزایش جریان‌های نقدی متعلق به سهامداران، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد، همخوانی دارد.

دارابی (۱۳۹۱) در پژوهشی تأثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که از اجزای سرمایه فکری، تأثیر دو جزء سرمایه ارتباطی و سرمایه انسانی بر متغیر وابسته کیفیت گزارشگری مالی مثبت و معنادار و تأثیر سرمایه ساختاری بر کیفیت گزارشگری مالی منفی و معنادار است. از بین سه جزء سرمایه فکری، تأثیر سرمایه انسانی بر کیفیت گزارشگری مالی نسبت به دو عامل دیگر به مراتب قوی‌تر بوده است. تحلیل داده‌ها به تفکیک صنعت حاکی از آن است که تأثیر مثبت دو عامل کارایی ایجاد ارزش (توانایی فکری) و کارایی سرمایه انسانی در تمام صنایع تقریباً مشابه و مثبت بوده است (به عبارتی صنعت در نوع ارتباط این دو عامل بر کیفیت گزارشگری مالی بی تأثیر بوده است)، اما تأثیر کارایی سرمایه بکار گرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری بر کیفیت گزارشگری مالی در صنایع مختلف، متفاوت است (صنعت در نوع ارتباط این دو عامل بر کیفیت گزارشگری مالی موثر بوده است).

طالب نیا و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای محتوای ارزشی افشای داوطلبانه را با استفاده از رویکرد پردازش عدسی بررسی نمودند. برای اهداف تحقیق، افراد در دو گروه آزمایش (۱۷۶ نفر) و کنترل (۱۵۸ نفر) به چهار سبک غالب رهنمودی، تحلیلی، ادراکی و رفتاری طبقه‌بندی گردیده‌اند. همچنین سرمایه‌گذاران از لحاظ نیمکره غالب مغز و از لحاظ پیچیدگی شناختی و سطح تحمل شرایط عدم اطمینان، مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سبک‌های با نیمکره غالب چپ مغز جهت تصمیم‌گیری خود به طور میانگین زمان بیشتری را صرف پردازش اطلاعات می‌نمایند. همچنین برای سبک تصمیم‌گیری تحلیلی نسبت به سایر سبک‌ها، زمان بیشتری را صرف پردازش اطلاعات می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد به جز سبک‌های شناختی با پیچیدگی بالا، به طور کلی اختلاف معنی‌داری بین گروه آزمایش و گروه کنترل از نظر صحت تصمیم‌گیری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر افشاء اطلاعات به صورت داوطلبانه توسط شرکت‌ها دارای محتوای ارزشی فزاینده نمی‌باشد.

کرمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی سطح افشاء و هزینه حقوق صاحبان سهام می‌پردازند. افشا برحسب دستورالعمل اجرایی " افشا اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در

بوس اوراق بهادر" مصوب سال ۱۳۸۶ بررسی گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های مطرح شده نشان می‌دهد، رابطه معناداری بین متغیرهای قابلیت اتکای افشاء، به موقع بودن افشاء و افشای نهایی با هزینه حقوق صاحبان سهام در صنایع با فراوانی بالا، وجود دارد. در صنایع مواد و محصولات شیمیایی و خودرو، قابلیت اتکای افشا و افشای نهایی با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری دارد. در صنایع مواد و محصولات شیمیایی، خودرو و سایر محصولات و کانی‌های غیرفلزی، رابطه معناداری بین به موقع بودن افشاء با هزینه حقوق صاحبان سهام وجود دارد.

بزرگ اصل و احمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی عکس‌العمل سرمایه‌گذاران به افشای اطلاعات مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها را ارزیابی نمودند. به این منظور، عکس‌العمل ۲۴۰ سرمایه‌گذار در دو گروه حرفه‌ای و کمتر حرفه‌ای به انواع افشاهای اطلاعات اجتماعی از طریق پرسشنامه تحلیل شد. سرمایه‌گذاران حرفه‌ای شامل تحلیلگران بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران کمتر حرفه‌ای شامل دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی بوده‌اند. عکس‌العمل این دو گروه به چهار نوع افشاهای اجتماعی آزمون شده است. برای آزمون فرضیات، از تحلیل واریانس یک عامله و دو عامله استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه‌گذاران به انواع افشاهای اجتماعی عکس‌العمل نشان می‌دهند، اما بین عکس‌العمل سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و کمتر حرفه‌ای به چهار نوع افشاهای اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

پورزمانی و همکاران (۱۳۹۲) ارتباط افشای داوطلبانه، سبک‌های شناختی تصمیم‌گیری و عدم تقارن اطلاعاتی را با رویکرد مدل پردازش عدسی برنزویک بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های با نیمکره غالب چپ مغز برای تصمیم‌گیری خود به طور میانگین اطلاعات بیشتری را پردازش می‌کنند و شواهدی ارائه گردید که نشان می‌دهد سبک تصمیم‌گیری رفتاری نسبت به سایر سبک‌ها کمترین حجم اطلاعات را برای تصمیم‌گیری نیاز دارد. همچنین نشان داده شد که با ارائه اطلاعات داوطلبانه کلیه سبک‌های گروه آزمایش عدم تقارن اطلاعاتی کمتری نسبت به گروه کنترل پیدا می‌کنند. این یافته، شواهد مستحکمی در حمایت از افشا داوطلبانه اطلاعات توسط شرکت‌ها برای کاهش سطح عدم تقارن اطلاعاتی بازار ارائه می‌دهد.

مشایخی و فرهادی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه شرکت در تعدیل رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. در واقع در این تحقیق برخلاف پژوهش‌های پیشین که اندازه شرکت به صورت یک متغیر کنترلی ظاهر می‌شد، از متغیر اندازه شرکت به منظور بررسی تعدیل رابطه بین افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. نتایج بدست آمده از پژوهش فوق نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌داری بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام، برای گروه شرکت‌های بزرگ وجود دارد، اما همچنین رابطه‌ای برای گروه شرکت‌های کوچکتر از میانگین قابل مشاهده نیست.

عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از طریق پرسشنامه‌ای که حاوی ۵۳ سؤال در زمینه مسئولیت اجتماعی آنها نسبت به مشتریان، کارکنان، محیط زیست و نهادهای موجود در جامعه (نهادهای آموزشی، نهادهای فرهنگی، نهادهای ورزشی، سازمان‌های بهداشتی، بیمارستانها، نهادهای خیریه، مراکز توانبخشی و غیره) است، اندازه‌گیری شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد ولی عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به کارکنان و محیط زیست رابطه معناداری ندارد.

ولی پور و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تاثیر افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. سطح افشای اختیاری بر حسب چک لیست بوتوسان (۱۹۹۷) اندازه‌گیری و سپس شرکت‌ها بر حسب امتیاز افشای اختیاری چارک بندی شدند. در این تحقیق برای بررسی مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم از مدل اولسون (۱۹۹۵) و برای بررسی مربوط بودن سود هر سهم از مدل استون و هریس (۱۹۹۱) استفاده شد. نتایج حاصل از مدل اولسون (۱۹۹۵) نشان می‌دهد، با افزایش سطح افشای اختیاری مربوط بودن و محتوای اطلاعاتی، ارزش دفتری هر سهم افزایش می‌یابد ولی محتوای اطلاعاتی سود هر سهم در تمام سطوح افشای اختیاری در مدل استون و هریس (۱۹۹۱) یکسان می‌باشد.

خواجهی و علیزاده (۱۳۹۳) به بررسی اثر سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. برای اندازه‌گیری متغیر سطح افشای داوطلبانه، از چک لیست بوتوسان (۱۹۹۷) که

توسط کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۸) تعدیل شده است، مورد استفاده قرار گرفت که شامل ۱۷ شاخص در شش بخش کلی پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج مهم تاریخی، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی و بحث و تحلیل مدیریت است. همچنین متغیر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از مدل ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) اندازه‌گیری شده است. برای آزمون فرضیه پژوهش رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که بین سطح افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس تهران، رابطه معناداری وجود ندارد. علت این رابطه می‌تواند به علت پایین بودن میانگین سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها باشد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی افشای داوطلبانه اطلاعات به طور جدی از طرف سرمایه‌گذاران مورد توجه قرار نگرفته است و یا به دلیل فقدان تحلیلگران مالی، میزان افشای داوطلبانه شرکت‌ها نتوانسته است میزان عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار سرمایه به طور قابل توجهی تغییر دهد.

با توجه به ادبیات بیان شده در بحث پیامدهای افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها، ماتریس نظریه به شرح نگاره ۲ برای شناسایی پیامدهای افشای اطلاعات استخراج شده است.

نگاره (۲): ماتریس نظریه

پیامدهای افشای اطلاعات								محققان
نوسانات قیمت سهام	واکنش سرمایه گذاران	محتوای اطلاعات ارزشی	ریسک و بازده	ارزش بازار سهام	عملکرد مالی	ارزش شرکت	هزینه سرمایه	
							*	عباسی (۱۳۸۲)
	*							خوش طینت و راعی (۱۳۸۳)
			*					دستگیر و بزاززاده (۱۳۸۵)
								احمدپور و همکاران (۱۳۸۸)
							*	فخاری و همکاران (۱۳۸۸)
			*					لشگری و شیرزاد (۱۳۸۸)
			*					حجازی و همکاران (۱۳۸۹)
			*					اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹)
*								حسینی و حسینی (۱۳۸۹)
*								یحیی زاده و همکاران (۱۳۸۹)
							*	ستایش و همکاران (۱۳۹۰)
							*	وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۰)
							*	یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰)
					*			بادآورنهنندی و همکاران (۱۳۹۱)
							*	ایزدی نیا و مقصودی (۱۳۹۱)
					*			ستایش و همکاران (۱۳۹۱)
			*					جمالیان پور و تقفی (۱۳۹۱)
			*					خدای پور و محرومی (۱۳۹۱)
				*				پور حدیری و حسین پور (۱۳۹۱)
							*	فدائی نژاد و خرم نیا (۱۳۹۱)
						*		فروغی و آدینه چونفانی (۱۳۹۱)
						*		اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱)
			*					دارایی (۱۳۹۱)
			*					طالب نیا و همکاران (۱۳۹۲)
							*	کریمی و همکاران (۱۳۹۲)
	*							بزرگ اصل و احمدی (۱۳۹۲)
							*	پورزمانی و همکاران (۱۳۹۲)
							*	مشایخی و فرهادی (۱۳۹۲)
					*			عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۲)
						*		ولی پور و همکاران (۱۳۹۳)
							*	خواجوی و علیزاده (۱۳۹۳)

نتیجه گیری

افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان در جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه می‌باشد. بر حسب ادبیات موجود در حوزه افشای اطلاعات در ایران، سرمایه‌گذاران، سهام‌داران و تحلیل‌گران به افشای اجباری شرکت‌ها که ارائه آن اطلاعات توسط استانداردهای حسابداری، نهادهای ناظر و سیاست‌گذار نظیر سازمان بورس اوراق بهادار الزامی شده است، توجه می‌کنند و افشای اختیاری اطلاعات توسط مدیران کمتر مورد توجه آنها قرار می‌گیرد؛ حال آنکه مدیران چنین افشاهایی را زمانی انجام می‌دهند که منافع حاصل از آن بیش از هزینه‌های آن باشد. علی‌رغم توجه محققان در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به حوزه افشای اختیاری، عوامل موثر بر آن و پیامدهای اقتصادی آن برای بازار سرمایه، این حوزه بطور محدود مورد توجه محققان داخلی واقع شده است.

بررسی ادبیات حوزه اندازه‌گیری سطح افشای اطلاعات نشان می‌دهد، در ایران سطح افشای اطلاعات عمدتاً متوجه افشای اجباری در استانداردهای حسابداری ایران می‌باشد و تحقیق درباره سطح افشای اختیاری هنوز در ابتدای کار قرار دارد. محققان دانشگاهی می‌توانند با بررسی ابعاد مختلف افشای اختیاری نظیر اطلاعات مالی، اطلاعات غیر مالی، اطلاعات چشم‌انداز آتی و غیره، بورس اوراق بهادار را در تهیه چک لیست مناسب و جامع یاری نموده و به غنای ادبیات افشای اطلاعات بیفزایند.

بررسی ادبیات حوزه محرک‌های افشای اطلاعات نشان می‌دهد، ویژگی‌های شرکت و سیاست‌های راهبری شرکتی بر سطح افشای اطلاعات و کیفیت آن موثر هستند. بر مبنای تئوری مشروعیت، شرکت‌های صنعتی بزرگ با ویژگی‌هایی مطلوب از نظر قابلیت سودآوری، نقدینگی و اهرم مالی، بیشتر مورد توجه عموم قرار گرفته و در نتیجه تقاضا برای ارائه اطلاعات و بهبود شفافیت بیشتر می‌باشد و یافته‌های محققان نیز گویای همین مساله است. نظام راهبری شرکتی یک سیستم نظارت بر روابط مدیران، سهامداران و حساب‌برسان شرکت است که از حقوق سهامداران و دیگر ذینفعان حمایت می‌کند. یافته‌های محققان نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که مکانیزم‌های راهبری شرکتی خوبی داشته و پراکندگی مالکیت بیشتر است در برابر تقاضای ذینفعان، افشای بیشتر اطلاعات مورد توجه قرار می‌گیرد.

بررسی ادبیات حوزه پیامدهای افشای اطلاعات نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران، سهامداران و تحلیل‌گران شاخص افشای اطلاعات ارائه شده توسط بورس را به عنوان پيامی از کیفیت بالاتر اطلاعات در نظر می‌گیرند و ارزش بیشتری برای شرکت‌هایی با شاخص افشای بالاتر قائل می‌شوند. افشای اطلاعات مالی تبعات منفی عدم تقارن اطلاعاتی، نظیر افزایش هزینه تامین مالی، ریسک مالی و نوسانات قیمت سهام را کاهش می‌دهد و منجر به بهبود شفافیت مالی و رونق بازار سرمایه می‌گردد.

با توجه به اینکه در تمامی تحقیقات بررسی شده شیوه اندازه‌گیری متغیرها تا حد زیادی مشابه یکدیگر بوده و از مدل‌های خطی رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیات استفاده شده است؛ در تحقیقات آتی لازم است، محققان دانشگاهی با استفاده از ابزار مناسب (دارای روایی و پایایی در سطح مطلوب)، سطح افشای اطلاعات شرکت‌ها را بررسی و با استفاده از متغیرهای متنوع، مدل‌های غیرخطی و روش‌های آماری متفاوت عوامل موثر بر سطح و کیفیت افشا و پیامدهای آن در بازار سرمایه ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. این شواهد تجربی نقش بسزایی برای افزایش شفافیت در بازار سرمایه کشور ایفا خواهد کرد.

منابع

- احمدپور، احمد، عدیلی، مجتبی و عسکری فیروزجانی، احسان (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بورس. اعتمادی، حسین و خلیل پور، مهدی (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت افشاء اطلاعاتی با استفاده از رویکرد فازی اعتمادی، حسین، امیرخانی، کوروش و محبت رضایی (۱۳۹۰). محتوای ارزشی افشای اجباری: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۳. ص ۲۳۵-۲۵۲
- اعتمادی، حسین، حصارزاده، رضا، محمدآبادی، مهدی و آمنه بذرافشان (۱۳۹۱). افشا و ارزش شرکت: شواهدی از بازار سرمایه نوظهور ایران. مجله حسابداری مدیریت. شماره ۱۳. ص ۶۷-۷۷.
- ایزدی نیا، ناصر و مقصودی، اسماعیل (۱۳۹۱). تاثیر کیفیت افشاء بر رابطه‌ی بین محافظه کاری و هزینه سرمایه‌ی سهام عادی. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی. شماره ۴، ص ۲۹-۵۱.
- بادآور نهندی، یونس، برادران حسن زاده، رسول و ایوب یزدانی (۱۳۹۱). بررسی رابطه کارآمدی زیست محیطی با ارزش و بازده دارایی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری. سال سوم. شماره ۸. ص ۹۵-۱۱۲

بادآورنهدی، یونس، برادران حسن زاده، رسول و ایوب یزدانی (۱۳۹۱). بررسی رابطه کارآمدی زیست محیطی با ارزش و بازده دارایی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری، شماره ۸، ص ۹۵-۱۱۲.

بزرگ اصل، موسی و احمدی، شاهین (۱۳۹۲). عکس العمل سرمایه گذاران نسبت به انواع گزارشگری اجتماعی شرکت‌ها. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی. شماره ۳، ص ۱۱۷-۱۰۱.
بنی مهد، بهمن و محسنی شریف، محسن (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر رتبه بندی شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن. مجله حسابداری مدیریت. سال سوم، شماره هفتم. ص ۵۱-۶۳.

پورحیدری، امید و حسین پور، حمزه (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین افشای اجباری و اختیاری با ارزش سهام شرکت‌ها. فصلنامه چشم انداز مدیریت مالی. شماره ۵، ص ۲۸-۹.
پورزمانی، زهرا، طالب نیا، قدرت اله، یعقوب نژاد، احمد و علی بیات (۱۳۹۲). ارتباط بین افشا داوطلبانه، شبکه‌های شناختی تصمیم گیری و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد مدل پردازش عدسی برنزویک. مجله حسابداری مدیریت، شماره ۱۹، ص ۱-۱۴.

جبارزاده کنگرلویی، سعید و انوربازیدی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و تعهد سازمانی با محافظه کاری در گزارش گری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. شماره ۹، ص ۷۷-۹۶.
جمالیان پور، مظفر و ثقفی، علی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر پارازیت اطلاعاتی افشا شده در گزارش گری مالی بر ریسک و بازدهی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۹، شماره ۶۷، ص ۳۱-۵۴.

جنانی، محمد حسن و حیدری، محمد (۱۳۹۰). امکان سنجی گزارشگری زیست محیطی در ایران. مجله حسابداری مدیریت. سال چهارم. شماره ۹، ص ۶۹-۸۴.
حجازی، رضوان، رحمانی، علی و زهرا مظفری (۱۳۸۹). بررسی اثر مقررات افشای اطلاعات بر کیفیت اطلاعات منتشره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران. شماره ۱۰، ص ۲۳-۳۶.

حسینی، محمد و حسینی، سید محمد بشیر (۱۳۸۹). بررسی رابطه سطح افشا اطلاعات حسابداری و نوسانات قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. شماره ۲، ص ۸۴-۷۵.

خدای پور، احمد و محرومی، رامین (۱۳۹۱). تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم. مجله حسابداری مدیریت. شماره ۵، ص ۱-۱۲.

- خدامی پور، انصاریان و علی نمازیان (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر افشای دارایی‌ها و مالیات بر درآمد شرکت‌ها. مجله مالیات، دوره جدید-۱۷، ص ۱۱۹-۱۰۱.
- خواجوی، شکر الله، علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۳). بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. سال اول، شماره ۲. ص ۱۳۲-۱۱۵.
- خواجوی، شکرالله، بایزیدی انور و سعید جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت‌های حسابداری. دوره سوم، شماره اول، ص ۵۴-۲۹.
- خوش طینت، محسن و راعی، حمید (۱۳۸۳). تأثیر ارائه اطلاعات حسابداری اجتماعی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۳۷. ص ۹۲-۷۳.
- دارابی، رویا (۱۳۹۱). تأثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی. مجله دانش سرمایه‌گذاری. شماره ۴، ص ۱۳۱-۱۰۵.
- دستگیر، محسن و بزاززاده، حمید رضا (۱۳۸۵). تأثیر افشا بر ریسک سیستماتیک. پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶. ص ۲۵۰-۲۳۵.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا و هیوا خجسته (۱۳۹۰). اثر خصوصیات شرکتی بر سطح افشاء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال نهم، شماره ۳۲. ص ۱۶۸-۱۴۱.
- ستایش، محمد حسین، کاظم نژاد، مصطفی و مهدی ذوالفقاری (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشاء بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی. شماره ۳، ص ۷۴-۵۵.
- سجادی، سید حسین، زرانزاد، منصور و علیرضا جعفری (۱۳۸۸). ویژگی‌های غیرمالی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۶، شماره ۵۷. ص ۶۸-۵۱.
- شعری، صابر و حمیدی، الهام (۱۳۹۲). کفایت افشای معاملات با اشخاص وابسته. مطالعات تجربی حسابداری مالی. شماره ۳۷. ص ۵۸-۳۹.
- طالب‌نیا، قدرت‌ا... و رستمی، نرگس (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ضرایب مالیاتی و افشاء گزارشات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه مالیات. دوره ۲۱، شماره ۱۸. ص ۱۳۸-۱۱۵.

طالب نیا، قدرت اله، پورزمانی، زهرا و علی بیات (۱۳۹۲). سبک‌های شناختی تصمیم‌گیری، زمان پردازش اطلاعات و محتوای ارزشی افشاء داوطلبانه: رویکرد پردازش عدسی در حسابداری. مجله حسابداری مدیریت. شماره ۱۷. ص ۱۰۶-۹۳.

طالب نیا، قدرت اله، علیخانی، راضیه و مهدی مران جوری (۱۳۹۱). ارزیابی کمیت و ماهیت افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۹. ص ۶۰-۴۳.

عباسی، احمدرضا (۱۳۸۲). "بررسی رابطه هزینه سرمایه با سطح افشای اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. عرب صالحی، مهدی، صادقی، غزل و محمود معین الدین (۱۳۹۲). رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۹. ص ۲۰-۱.

علوی طبری، سید حسین و عباس تفرشی، زهره (۱۳۹۲). تأثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری. فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷. ص ۱۸-۳۳
فخاری، حسین و محمدی، نرگس (۱۳۸۸). بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات حسابداری، شماره ۴، ص. ۱۶۳-۱۴۸

فدائی نژاد، محمد اسماعیل و خرم نیا، نوید (۱۳۹۱). بررسی محتوای اطلاعاتی افشای اطلاعات سود شرکت‌ها و اثر آن بر نقدشوندگی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. شماره ۱۸. ص ۸۲-۶۱.

فروغی، داریوش و آدینه جونقانی، احمد (۱۳۹۱). رابطه بین میزان افشای اطلاعات و ارزش شرکت. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۱۵، ص ۱۴۲-۱۱۷.

فروغی، داریوش، میرشمس شهشهنانی، مرتضی و سمیه پور حسن (۱۳۸۷). نگرش مدیران درباره‌ی افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (۱۳۸۶). بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۲. ص ۷۰-۵۵

قاسمی، میثم و مهدوی، غلامحسین (۱۳۸۸). تأثیر سازه‌های اجتماعی قانون‌گرایی، اطمینان‌طلبی، سطح تحصیلات، فردگرایی، جنسیت، رشته تحصیلی و سابقه‌های کاری بر افشاگری مالی. مجله پیشرفت‌های حسابداری. دوره اول، شماره اول، ۲۱۵-۱۹۱.

کاشانی پور، محمد و سید مهدی پارچینی پارچین. (۱۳۸۸) رابطه بین افشای اطلاعات اختیاری و اعضای غیر موظف هیات مدیره. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷. ص ۱۰۰-۸۵

- کردستانی، غلامرضا و رحیمی، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن در بازار سرمایه. فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری مالی. سال اول، شماره اول. ص ۶۸-۹۲
- کرمی، غلامرضا، حسینی، سید علی و سعید رضوانی فرد (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سطح افشاء و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. شماره ۲۱. ص ۴۷-۷۱
- کمالیان، امین رضا، نیک نفس، علی اکبر، افشاری زاده، امید و رضا غلامعلی پرو (۱۳۸۹). تبیین مهمترین عوامل موثر بر رتبه افشای اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد داده کاوی. فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۱. سال سوم. ص ۱۴۴-۱۲۵
- لشگری، زهرا و نادری، شیرزاد (۱۳۸۸). بررسی رابطه سطح افشا و بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳. ص ۷۵-۹۱
- محمدآبادی، مهدی، مشایخی، بیتا و محمد مهدی میرزایی عباس آباد (۱۳۹۱). بررسی تاثیر محافظه کاری و ویژگی های ساختاری و عملکردی شرکت بر کیفیت افشا. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۳. ص ۱-۲۱
- مرتضوی، سعید، ناصرپور، آزاد، امیررضوی، پگاه و معصومه صادقی مقدم (۱۳۸۹). بررسی نقش تعدیل گری متغیر اهمیت مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی؛ نمونه مورد مطالعه: شرکت های صنایع غذایی شهر مشهد. دوفصلنامه علوم اجتماعی. سال هفتم، شماره ۲. ص ۱۹۳-۲۱۸
- مشایخی، بیتا و فرهادی، سوران (۱۳۹۲). تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت. شماره ۱۹، ص ۱۰۱-۱۱۵
- ملکیان، اسفندیار و محمد رضا سید آبادی، (۱۳۸۳). بررسی تاثیر اندازه و نسبت های مالی بر افشای کامل صورت های مالی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- موسوی شیری، سید محمود و کریمی ربابی، علیرضا (۱۳۸۹). رابطه ویژگی های غیرمالی شرکت ها با افشای اطلاعات از طریق اینترنت در شرکت های پذیرفته شده بورس. مجموعه مقالات نهمین همایش سراسری حسابداری ایران.
- مهدوی پور، علی، موسوی شیری، محمود و علیرضا کریمی ربابی (۱۳۸۹). عوامل موثر بر افشای اطلاعات مالی از طریق اینترنت در وب سایت شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره ۵. ص ۱-۱۶

نوروش، ایرج و حسینی، سید علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۵۵. ص ۱۱۷-۱۳۴

نوری فرد، دکتر یدا... (۱۳۷۷). افشاء اطلاعات در گزارشگری مالی شرکت ها. چاپ اول، انتشارات موسسه حسابرسی تامین اجتماعی.

نیکومرام، هاشم و بادآورنهدی، یونس (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران. ماهنامه فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، ص ۱۴۱-۱۸۷

وکیلی فرد، حمیدرضا، طالب نیا، قدرت اله و مریم نادری پور (۱۳۹۰). اثر افزایش افشای اطلاعات ناشی از اجرای استانداردهای حسابرسی تجدیدنظر شده بر عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۱۲، ص ۲۵-۵۵.

ولی پور، هاشم، طالب نیا، قدرت اله و رضا احمدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مدیریت. شماره ۲۱. ص ۷۱-۸۱

هشی، عباس (۱۳۸۵). عوامل موثر بر مطلوبیت گزارشگری مالی. مطالعات تجربی حسابداری مالی. شماره ۱۶. ص ۹۱-۱۲۶

همتی، هدی و جلیلی، آرزو (۱۳۹۱). رابطه افشای سرمایه فکری با نوع مالکیت و اندازه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی. شماره ۲، ص ۶۳-۵۱.

یحیی زاده فر، محمود، شمس، شهاب الدین و نرگس محمدی (۱۳۸۹). تأثیر افشای اطلاعات بر دامنه شکاف قیمتی پیشنهادی خرید و فروش سهام با استفاده از سیستم معادلات همزمانی. مجله کاوش های مدیریت بازرگانی، شماره ۴. ص ۷۳-۵۳.

یعقوب نژاد، احمد و ذبیحی، علی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت افشا و نقدشوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. شماره ۱۰. ص ۲۱۷-۲۳۵

یعقوب نژاد، احمد و ذبیحی، علی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت افشا و نقدشوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. شماره ۱۰، ۲۳۵-۲۱۷

Cooke, T.E. 1989. Voluntary corporate disclosure by Swedish companies. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 1, 171-195.

Copeland, R. M. & Fredricks, W. 1968. Extent of Disclosure. *Journal of Accounting Research*, 6, 106-113.

- Diamond, D. & Verrecchia, R. (1991). Disclosure, liquidity and the cost of equity capital. *The journal of finance*, Vol. 66, 1335-1360.
- Guthrie, J. , Boedker, C. and Cuganesan, S. (2004) , Final Report: Department of Lands, NSW, Management, Measurement and Reporting of Intellectual Capital, report of MGSM Centre for the Management of Knowledge Capital, December, Sydney.
- Hassan, O. ; Giorgioni, G. ; and Romilly, P. (2006) The Extent of Accounting Disclosure and its Determinants in an Emerging Capital Market: the Case of Egypt. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 3 (1):41-67.
- Hassan, Nasr,Taha (2010) corporate social responsibility disclosure:an examination of framework of determinants and consequences. , Durham theses, Durham University. Available at Durham E-Theses Online: <http://etheses.dur.ac.uk/480/>
- HO, S. M. S. & WONG, K. R. 2001a. A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 10, 139-156.
- Kristandl, G. and Bontis,N. (2007). The impact of voluntary disclosure on cost of equity capital estimates in a temporal setting. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 8 Iss: 4, pp. 577 - 594
- Meek, G. K. , Roberts, C. B. & Gray, S. J. 1995a. Factors Influencing Voluntary Annual Report Disclosures by U. S. , U. K. and Continental European Multinational Corporations. *Journal of International Business Studies*, 26, 555-572.
- Wang, K. O. S. and Claiborne, C. (2008). Determinants and Consequences of Voluntary Disclosure in an Emerging Market: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and taxation*, 17 (1) 14-30

